رازی و خوانندگان

■ **مشکلات داروخانه‌ها و کمبودهای آموزشی**

سرکار خانم دکتر گلنوش ب، طی نامه‌ای برای ماهنامه دارویی رازی در مورد مشکلات داروخانه‌ها و کمبودهای آموزشی چنین نوشته‌اند:

«...واقعیت این است که بیش از ۸۵ درصد داروسازان برای ادامه زندگی، اقدام به راه‌اندازی داروخانه می‌کنند و داروخانه برای داروسازان حرف نخست را می‌زند. از طرفی، داروخانه‌داری به عنوان یک حرفه مادام‌العمر برای داروسازان مطرح است. این موضوع را از دو جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد: مسؤولان و داروسازان.

یک داروساز در داروخانه‌ها باید بر تمام فعالیت‌های داروخانه نظارت داشته باشد، مهم‌تر از همه این‌که باید به بیماران مراجعه‌کننده در داروخانه به خوبی رسیدگی کند اما در داروخانه‌ها عملاً داروساز به عنوان یک فروشنده و یا بهتر بگویم صاحب مغازه تلقی می‌شود. همه کارها را «نسخه‌پیچ ها» انجام می‌دهند. از دریافت نسخه‌ها از بیماران تا مشاوره‌های دارویی! عملاً جای یک داروساز را پر کرده‌اند! بی‌خود هم نیست که بعضی از آن‌ها ادعای داروساز بودن دارند و احساس می‌کنند که به آن‌ها در عدم اجازه برای راه تأسیس داروخانه ظلم شده است! این در حالی است که مسایلی چون تجویز داروها به بیماران و به طور کلی مسایل مربوط به بالین مربوط به داروسازان می‌باشد و عملاً نباید اجازه داده شود که کسان دیگری بر کار آن‌ها دخالت کنند و به اصطلاح در مورد مسایل فنی با آن‌ها بحث کنند. از طرفی در بیشتر موارد زمانی که یک داروساز با پزشک تماس گرفته و موضوعی مانند تداخل دارویی را با او در میان می‌گذارد، با بی‌توجهی پزشک مواجه می‌شود و تشخیص داروساز را کم‌اهمیت جلو می‌دهند.

اما مشکل کجاست؟ چه شده است که این‌گونه به کارهای داروسازان آن هم از نوع منفی‌اش با

دقت توجه می‌شود؟ واقعیت این است که در ایران رشته داروسازی کمتر از هر کدام از دیگر رشته‌های دکترای عمومی به مسایل بالینی مربوط می‌شود. به عبارتی دیگر، کمتر از ۲۰ درصد کل مطالب آموزشی در دانشگاه‌ها در ارتباط با مسایل بالینی و از جمله داروخانه‌ها است ولی بیشتر فعالیت‌های داروسازان پس از فارغ‌التحصیلی حول فعالیت در داروخانه‌ها می‌چرخد و داروسازان با آموزش کم و البته نادرست به حال خود رها شده‌اند. به دلیل آموزش‌های بسیار ضعیف دانشگاه‌ها عملاً داروسازان جوان برای داروخانه‌داری دست به دامن افرادی موسوم به نسخه‌پیچ می‌شوند تا با استفاده از تجربه‌های چندین و چند ساله آن‌ها در راه‌اندازی و ایجاد داروخانه به آنها کمک کنند و در نتیجه عملاً! همه کارهای داروخانه‌ها را نسخه‌پیچ‌ها انجام می‌دهند. وقتی که داروسازی با کار کمتر همان میزان درآمد را داشته باشد با خود می‌اندیشد که بهتر است که اصلاً کار نکند! این موضوع آن‌قدر ادامه پیدا می‌کند که تقریباً تبدیل به یک فرهنگ می‌شود! انگار که ما عادت کرده‌ایم جای ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایمان را عوض کنیم!

حال این سئوال پیش‌می آید که بالاخره باید چکار کنیم؟ آیا اصلاً رغبتی برای ایجاد تغییر وجود دارد؟ همان‌طور که برای هر تغییری نیاز به زمان هست، نباید زیاد عجله کنیم. زیرا که تغییردهندگان وضعیت موجود قطعا از میان داروسازان قدیمی نخواهند بود و باید منتظر فعالیت داروسازان جوان در این زمینه باشیم اما این داروسازان جوان نیاز به آموزش دارند. اگر قرار است داروساز داروخانه‌دار تحویل جامعه دهیم باید بیشتر در این زمینه فعالیت کینم. باید مسؤولان بیشتر در امر آموزش مدیریتی به دانشجویان داروسازی مبادرت ورزند تا حل مسأله مدیریت غلط از دانشگاه‌ها شروع به اصلاح شود و به تدریج به متن جامعه نفوذ کند اما آیا تنها این موارد می‌تواند به داروسازان در قطع ید افراد غیرحرفه‌ایی به این حرفه کمک کند؟ این‌که داروسازان داروخانه‌ها را به حال خود واگذارند و به دست «نسخه پیچ»ها دهند خود باعث ایجاد متاستاتیک مشکلات برای داروسازان می‌شود. به نظر باید مسؤولان بیش از این‌ها بر حضور داروسازان در داروخانه‌ها نظاره کنند، الزام به قرار دادن اتیکت با عنوان «داروساز» یا «مسؤول فنی» برای داروسازان در داروخانه‌ها می‌تواند این کم‌کاری را از طرف داروسازان حداقل بیشتر از اینی که هست نکند. از طرفی، مسؤولان باید با بیشتر کردن میزان تبلیغات و فرهنگ‌سازی در مورد وظایف داروسازان قشر «عامه» جامعه را با وظایف داروسازان و حقوق بیماران آشنا کنند.

شاید با این کارها بتوان کمی به وضعیت اسفبار داروسازی و داروخانه داری رسیدگی کرد و این امید کار و ادامه تحصیل در حرفه جذاب داروسازی را ممکن سازد...»